

سیاست تقنینی ایران در قبال قاعده «التعزیر بما دون الحد»

حجت‌الله فتاحی*

چکیده

یکی از قواعد مهمی که تأثیر زیادی در نظام بخشیدن به حقوق کیفری و سیاست تقنینی جمهوری اسلامی ایران دارد قاعده التعزیر بما دون الحد است. در این مقاله ضمن تبیین مفهوم، مستندات و دیدگاه‌های فقهی در خصوص این قاعده، تأثیر آن بر چگونگی تعیین مجازات‌ها بویژه مجازات‌های شلاق تعزیری مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: حد، تعزیر، مجازات، دون الحد، شلاق.

مقدمه

یکی از مسائل مهم در حوزه تقنین، معیار تعیین نوع و مقدار مجازات‌هاست. در حقوق کیفری اسلام مجازات‌های حد، قصاص و دیات (با فرض مجازات‌دانستن آن) در شرع تبیین شده، نوع و مقدار مجازات به طور ثابت معین شده است؛ ولی در تعزیرات، تعیین نوع مجازات و مقدار آن در اختیار حاکم شرع می‌باشد که با قواعد «التعزیر لکل فعل حرام»، «التعزیر بما یراه الحاکم» و «التعزیر بمادون الحد» ساماندهی می‌شود. پرسش‌هایی که در این نوشتار به دنبال پاسخ آنیم اینکه مفهوم قاعده التعزیر بمادون الحد چیست و چه دیدگاه‌هایی درباره این قاعده در میان فقها وجود دارد و سیاست تقنینی ایران در قبال این قاعده چیست؟

۱. مفهوم‌شناسی

تعزیر در لغت به معنی ملامت کردن، منع کردن، رد کردن، بزرگ‌داشتن، یاری دادن و تربیت کردن و زدن کمتر از حد آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۵۱ / صاحب‌بن‌عباد، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۸۳-۳۸۴ / جوهری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۷۴۴ / ابن‌اثیر، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۲۲۸ / ابن‌منظور، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۵۶۱-۵۶۲). هرچند برخی از اهل لغت معنی اخیر را معنای شرعی تعزیر دانسته‌اند (واسطی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۲۱۲) و در اصطلاح به مجازاتی گفته می‌شود که نوع و مقدار آن در شرع معین نشده (سیوری، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۳۲۷ / حلّی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۵ / شهید ثانی، ۱۴۱۶، ج ۱۴، ص ۳۲۵) و به نظر حاکم واگذار گردیده است (حلّی، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۴۶۸ / علامه حلّی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۲۲۷ / حلّی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۷۳). در برخی از تعاریف بر امری که دارای مجازات مقدر نیست تعزیر اطلاق شده است (محقق حلّی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۹۳۲).

حد در لغت به معنی دفع، فاصله بین دو چیز، نهایت چیزی، منع، تیز کردن، حسرت و عذاب و عقوبت آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۹ / ابن‌منظور، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۸۱-۷۹ / شرتوتی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۶۰۵ / طریحی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۴۷۲). در اصطلاح

تعاریف متعددی از حد ارائه شده است. در برخی از متون، حد به هر امری که از ناحیه شرع دارای مجازات معین باشد اطلاق می‌شود (محقق حلی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۹۳۱). برخی از فقها، کلام محقق حلی را مبنی بر مسامحه می‌دانند زیرا حد و تعزیر دو اسم برای نفس عقوبت و مجازات می‌باشند، نه اسم برای کاری که در آن عقوبت و مجازات است (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۴۸۷). در پاسخ این نظر آمده است حد همان گونه که بر مجازات اطلاق می‌شود بر گناه نیز اطلاق می‌شود مانند آیه ۱۸۷ سوره بقره که می‌فرماید: «تَلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا: این از گناهانی است که خداوند از آن نهی کرده پس مرتکب آن نشوید» (کریمی جهرمی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۹). در تعریفی دیگر از حد آمده است: حد در شرع مقدس مجازات بدنی خاصی است که به دلیل ارتکاب مکلف به معصیتی خاص شارع مقدس مقدار و نوع آن را معین کرده است (شهید ثانی، ۱۴۱۶، ج ۱۴، ص ۳۲۵). تعاریف دیگری نیز از حد ارائه شده است.

۱۱۷

یکی از قواعد فقهی که در حقوق کیفری اسلام مطرح و کاربرد وسیعی داشته و ریشه در سنت نبوی ﷺ دارد، قاعدة التعزیر بما دون الحد است. این قاعده از قواعد تأسیسی در حقوق کیفری اسلام است و از نظر فقها در مذاهب مختلف اسلامی مجازات تعزیری باید از نظر کمی و کیفی سبک‌تر از مجازات حدی باشد (ر.ک: شیخ مفید، ۱۴۱۳، صص ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۸۹ و ۸۰۴ / موسوی، ۱۴۱۵، ص ۵۱۳ / شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۹۷ / شیخ طوسی، ۱۳۵۱، ج ۸، ص ۶۶ / نووی، [بی‌تا]، ج ۲۰، ص ۱۲۱ / کاشانی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۶۴ / ابن‌قدامه، [بی‌تا]، ج ۱۰، ص ۳۷۴). برخی از فقهای امامیه مانند علامه مجلسی و همچنین برخی از فقهای اهل تسنن مانند مالک و اوزاعی معتقدند مجازات تعزیری می‌تواند با صلاح‌دید حاکم به اندازه یا شدیدتر از مجازات حدی باشد (ر.ک: ابن‌قدامه، [بی‌تا]، ج ۱۰، ص ۳۴۷ / شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، صص ۴۹۷-۴۹۸).

هر چند این قاعده به طور گسترده در کتاب حدود متون فقهی امامیه در ادوار مختلف با عباراتی مانند «التعزیر بما دون الحد» (شیخ مفید، ۱۴۱۳، صص ۷۸۹-۷۹۲ / شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۸۲). مورد توجه قرار گرفته و در متون فقهی اهل تسنن با این عبارات آمده است که «لا یبلغ التعزیر الحد» (کاشانی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۶۴ / ابن‌قدامه، [بی‌تا]، ج ۱۰، ص ۳۴۷)؛ ولی در اکثر متون مربوط به قواعد فقهیه به عنوان یک قاعده

مورد بحث قرار نگرفته است. در برخی از منابع جدید به طور مختصر (ر.ک: حسینی شیرازی، [بی تا]، ص ۲۰۵) و در برخی دیگر از منابع قواعد فقهی به طور مبسوط بحث شده است. (ر.ک: محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۱۹۶ / حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۷، ص ۳۱۳ / هاشمی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۸).

۲. مفهوم قاعده

در مورد مفهوم قاعده دو نظر مطرح شده است نظر مشهور این است که قاعده به این معنی است که مقدار تعزیر کمتر از مقدار حد شرعی است و واژه «دون» به کمتر معنی شده است (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۹-۱۱۲). نظر دیگر این است که تعزیر غیر از مجازات حدی است و واژه «دون» به غیر معنی شده است (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۲۱۸)؛ بنابراین تعریف مجازات حدی می‌تواند به میزان و بیش از مجازات حدی باشد. اشکالی که بر این نظر وارد است این است که اولاً قاعده ظهور در این معنی ندارد و ثانیاً بر اساس این معنی مثلاً می‌توان برای یک گناه موجب تعزیر مانند تهمت، ۱۲۰ ضربه شلاق یا بیشتر معین کرد، چون ۱۲۰ ضربه شلاق غیر از حد است در حالی که قائلین به این نظر نیز به آن ملتزم نشده‌اند و معتقدند تعزیر باید به کمتر از حد باشد (همان). ثالثاً مفهوم آن مبهم است و معلوم نیست غیر حد به چه معنی است؟ آیا منظور آن است که مجازات تعزیری نباید از جنس مجازات حدی باشد و لو اخف از آن باشد؟ آیا منظور آن است مجازات تعزیری می‌تواند از جنس مجازات حدی باشد ولی نباید برابر و مساوی (عین) با مجازات حدی باشد ولی می‌تواند کمتر یا بیشتر از آن باشد؟ رابعاً احادیثی که بر این قاعده دلالت دارند و در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند ظهور در کمتر بودن حد از تعزیر دارند. با توجه به این مطالب به نظر می‌رسد معنای اول درست‌تر است و قاعده ظهور در مجازات کمتر از حد است و همین معنی در برداشت‌های فقهی از این قاعده مورد اقبال و پذیرش فقها قرار گرفته است (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۹۸ / طبرسی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۲۷ / حلی، ۱۴۱۱؛ ج ۳، ص ۴۶۶ / محقق حلی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۱۵۵ / حلی،

۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۴۸ / نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۳۹۳).

از اطلاق قاعده و کلام فقها استفاده می‌شود این قاعده در غیر از شلاق نیز جاری است و در این صورت در تمامی مجازات‌هایی که به عنوان تعزیر قابل اعمال است شدت و مقدار آن باید از مجازات حدی هم سنخ آن کمتر باشد.

۳. مستندات قاعده

مستند این قاعده سیره و سنت نبی اکرم ﷺ و روایات ائمه اطهار علیهم‌السلام است.

در روایت مسمع بن عبد الملک از امام صادق علیه‌السلام آمده است که پیامبر اکرم ﷺ در مورد شدت و چگونگی اجرای شلاق‌های حدی فرمود: «الزانی أشد ضربا من شارب الخمر و شارب الخمر أشد ضربا من القاذف والقاذف أشد ضربا من التعزیر. مجازات زانی شدیدتر از مجازات شارب خمر و مجازات شارب خمر شدیدتر از مجازات قاذف و مجازات قاذف شدیدتر از تعزیر است» (کلینی، ۱۳۴۸، ج ۷، ص ۲۱۴)؛ در این روایت پیامبر اکرم ﷺ مراتب شدت اجرای حدود مختلف را بیان کرده است و شدت حد قذف را به عنوان سبک‌ترین حد، شدیدتر از تعزیر می‌داند که از آن استفاده می‌شود شدت مجازات تعزیری باید از سبک‌ترین حد که حد قذف است سبک‌تر باشد.

مجلسی اول سند روایت را قوی (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۱۰، ص ۱۲۸) ولی مجلسی دوم و برخی دیگر از فقها سند روایت را ضعیف می‌دانند (همو، ۱۴۰۴، ج ۲۳، ص ۳۲۹ / موسوی اردبیلی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۴۰۲).

در روایتی دیگر پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «لا یحل لوال یؤمن بالله والیوم الآخر أن یجلد أكثر من عشرة أسواط إلا فی حد... برای هیچ حاکمی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد حلال نیست به کسی بیش از ده ضربه شلاق بزند مگر در موارد ارتکاب جرم موجب حد» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۷۳).

صاحب جواهر این روایت را معارض ادله‌ای می‌داند که بر جواز تعزیر به کمتر از حد دلالت می‌کند و اینکه تعیین مقدار تعزیر با توجه به نوع گناه و قوت بدنی مجرم با حاکم است و همچنین معارض ادله‌ای است که تعزیر را بین ده تا بیست ضربه می‌داند. ایشان روایت را نظر سند نیز ضعیف می‌داند و معتقد است برای ضعف آن نیز جابری وجود ندارد (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۴۴۵). برخی دیگر از فقها نیز سند روایت را

مرسل دانسته‌اند بدون آنکه نسبت به اعتبار یا عدم اعتبار آن اظهار نظر کنند (خویی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۱۳ / گلپایگانی، [بی تا]، ج ۲، ص ۲۸۴). در مقابل برخی از فقها با تصریح به مرسل بودن آن، این روایت را از جمله مرسله‌های شیخ صدوق دانستند که معتبر است (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲، ص ۱۱ / مؤمن، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۳۵۰). با توجه به تعارض و همچنین ضعف سند برخی از فقها روایت را حمل بر تأدیب صبی و کراهت زدن بیش از ده ضربه در تأدیب وی کرده‌اند (محقق حلی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۲۲۱ / حلی، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۵۳۴ / مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۱۰، ص ۲۲۲).

همچنین در روایتی از پیامبر اسلام ﷺ آمده است: «لا یجلد احد فوق عشرة اسواط الا فی حدّ من حدود الله: هیچ کس نباید بیش از ده تازیانه زده شود، مگر در حدود شرعیّه» (نیشابوری، [بی تا]، ج ۵، ص ۱۲۶ / بیهقی، [بی تا]، ج ۸، ص ۳۲۷). پیامبر اکرم ﷺ در این دو روایت حداکثر تعزیر را ده ضربه بیان می‌کند که به مراتب از مجازات حدی کمتر و سبک‌تر است.

همان گونه که برخی از فقها تصریح کرده‌اند این روایت تنها از منابع اهل تسنن نقل شده است و در منابع روایی امامیه دیده نشده است (موسوی اردبیلی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۷۱).

در روایتی دیگر پیامبر اکرم ﷺ فرموده است: «من بلغ حدّاً فی غیر حدّ فهو من المعتدین: هر کس در مواردی که مجازات حدی ندارد به اندازه مجازات حدی اعمال کیفر کند از تجاوزکاران است» (کلینی، ۱۳۴۸، ج ۱۴، ص ۲۶۷).

این روایت نیز بر این معنی ظهور دارد که مجازات تعزیری نباید به اندازه مجازات حدی باشد و باید کمتر از مجازات تعزیری باشد و اگر کسی در جرایم تعزیری به اندازه جرم حدی مرتکب را مجازات کند، گناهکار و متجاوز است.

برخی از فقها از این روایت به معتبر تعبیر کرده‌اند (تبریزی، [بی تا]، ص ۲۷۱ / منتظری، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۳۵۸).

علاوه بر احادیث نبوی فوق الذکر در روایتی از امام صادق علیه السلام پرسیده شد است: «کم التعزیر؟ فقال: دون الحد قال قلت: دون ثمانین قال لا- ولكن دون أربعین... علی قدر ما یراة الوالی من ذنب الرجل و قوة بدنه. تعزیر چه مقدار است؟ امام فرموده است: کمتر از حد است. پرسیدم کمتر از هشتاد ضربه؟ خیر ولكن کمتر از

چهل ضربه است... که با توجه به گناه و جرم ارتكابی و قوت بدنی مرتکب با تشخیص حاکم مقدار آن معین می‌شود» (شیخ صدوق، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۵۳۸ / شیخ طوسی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۲۳۷ / کلینی، ۱۳۴۸، ج ۷، ص ۲۴۱) این حدیث نیز مؤید سیره و سنت نبی مکرم ﷺ است.

برخی از فقها سند حدیث را در کافی ضعیف و در علل الشرائع صحیح می‌دانند (طباطبائی، ۱۴۰۴، ج ۱۶، ص ۶۰). برخی دیگر از فقها نیز از حدیث تعبیر به صحیح کردند (خویی، ۱۴۰۷، ج ۴۱، ص ۴۰۸ / گلپایگانی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۲۹۷ / صدر، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۳۴۶).

با توجه به سیره و سنت پیامبر اکرم ﷺ که بیان می‌دارد مجازات تعزیری همیشه اخف از مجازات حدی است این امر موجب اجماع و تسالم مذاهب اسلامی است و علاوه بر امامیه برخی از فقهای اهل تسنن نیز بر این مطلب ادعای اجماع، لاخلاف و اتفاق کرده‌اند و مستند همه آنان نیز قول و سیره پیامبر اکرم ﷺ است (کاشانی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۶۴ / مصری، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۷۹ / ابن‌قدامة، [بی‌تا]، ج ۱۰، ص ۳۵۲). هر چند از برخی از منابع امامیه (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۱۰، ص ۵۹) و اهل تسنن نقل خلاف شده است (ر.ک: ابن‌قدامة، [بی‌تا]، ج ۱۰، ص ۳۴۷ / شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۹۷-۴۹۸).

بنابراین دلالت روایات فوق بر قاعده تام است و از مجموعه ادله استفاده می‌شود تعزیر کمتر از حد شرعی است و مقدار آن به نظر حاکم شرع می‌باشد.

۴. حداکثر شلاقهای تعزیری

در صورتی که مجازات تعزیری، تازیانه باشد، با توجه به قاعده، حداکثر مقدار آن چه اندازه خواهد بود؟

تعزیرات به دو گروه تعزیرات منصوص و غیر منصوص تقسیم می‌شود: تعزیرات منصوص به تعزیراتی اطلاق می‌شود که نوع و مقدار تعزیر در خصوص موضوعی خاص در روایات بیان شده است مانند اجتماع دو مرد در زیر یک پوشش به شکل برهنه که در روایات مجازات تعزیری آن بیان شده است (کلینی، ۱۳۴۸، ج ۱۴، ص ۳۲). برخی از فقها با این دسته از تعزیرات مانند حدود برخورد می‌کنند و تغییر و تبدیل آن

را نمی‌پذیرند (صافی گلپایگانی، ۱۴۰۴، سؤال ۱۲۶) و برخی دیگر از فقها قواعد عمومی تعزیر را در این قسم نیز جاری می‌دانند و معتقدند حاکم در این موارد نیز در انتخاب نوع و مقدار مجازات مخیر است (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۷۷۴ / حلبی، ۱۴۰۳، ص ۴۱۷).

تعزیرات غیر منصوص به تعزیراتی گفته می‌شود که نوع و مقدار مجازات تعزیری در موضوعی خاص در روایات بیان نشده است.

دیدگاههای فقهی متعددی در خصوص مصادیق مجازات تعزیری غیر منصوص وجود دارد. مشهور فقها تعزیر را منحصر به مجازات خاصی نمی‌دانند و با این ضابطه که تعزیر باید کمتر از حد باشد مصادیق متعددی از تعزیر در متون فقهی ذکر شده است. برخی از این مصادیق عبارتند از: شلاق (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۷۸۵ / حلبی، ۱۴۰۳، ص ۴۱۷-۴۲۰ / دیلمی، ۱۴۰۴، ص ۲۵۷ / شیخ طوسی، ۱۳۶۵، ص ۷۰۵)، حبس (شیخ طوسی، ۱۳۵۱، ج ۴، ص ۲۳۲ / حلی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۷۳ / علامه حلی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۲۳۹ / صافی گلپایگانی، ۱۴۰۴، ص ۱۴۷)، ضرب (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۷۹۱ / حلی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۷۳ / همو، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۲۳۹)، تشهیر (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۷۹۵ / طوسی، ۱۴۰۸، ص ۴۲۳)، توبیخ (حلی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۷۳ / همو، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۲۳۹)، نفی بلد (بیهقی، [بی‌تا]، ج ۸، ص ۲۲۴)، منع از خوردن و آشامیدن (کلینی، ۱۳۴۸، ج ۱۱، ص ۶۶۸)؛ ولی مجازات تعزیری که در سیره و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گزارش شد تا آنجا که بررسی کردیم مجازات شلاق و نفی بلد است که دومی در متون روایی عامه نقل شده است (همان، ج ۱۴، ص ۱۶۳-۲۵۲ / بیهقی، [بی‌تا]، ج ۸، ص ۲۲۴).

هر چند برخی از فقها اصل را در مجازات تعزیری شلاق می‌دانند (صافی گلپایگانی، ۱۴۰۴، ص ۲۶۲-۲۵)؛ ولی تا آنجا که بررسی شده است احدی از فقها تعزیر را منحصر به شلاق نمی‌دانند.

در خصوص مقدار شلاق تعزیری غیر منصوص نیز اقوال فقها مختلف است و برخی از فقها معتقدند یازده قول در این خصوص وجود دارد (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۳۱۳).

عمده اقوال فقهی به شرح ذیل است:

۱-۴. کمتر بودن از حد زنا

بر اساس این دیدگاه تعزیر انسان حر باید کمتر از صد ضربه باشد؛ بنابراین می‌تواند از ۱ ضربه تا ۹۹ ضربه باشد. ابن‌زهرة حلبی فقیه قرن ششم در غنیه‌النزوع، ص ۲۰۸ / ابن‌دریس فقیه قرن ششم در سرائر، ج ۳، ص ۴۶۶ و محمد حسن نجفی فقیه قرن سیزدهم در جواهرالکلام، ج ۴۱، ص ۴۴۸ این دیدگاه را پذیرفته‌اند. در این دیدگاه تعزیر عبد تا چهل ضربه خواهد بود چون حد عبد چهل ضربه شلاق است.

هر چند قائلین این قول مستند آن را بیان نکرده‌اند (ر.ک: حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۷، ص ۳۱۷)؛ ولی شاید بتوان گفت مستند این قول آن است که کلمه «الحد» در قاعدة التعزیر بما دون الحد، ظهور در حد کامل دارد و منظور از الحد، حد کامل است و لذا تعزیر می‌تواند کمتر از صد ضربه باشد. دلیل این ظهور آن است که اطلاق حد به حد کامل انصراف دارد همان‌گونه که کلمه الدیة به دیه کامل منصرف است و ظهور در آن معنی دارد (همان). لازمه این قول آن است که در مواردی میزان تعزیر از میزان حد متناسب با آن جرم بیشتر می‌شود مثلاً اگر کسی به دیگری نسبت صریح زنا بدهد که موجب حد قذف است مجازات آن هشتاد ضربه شلاق است ولی اگر به همان شخص به نحو ضمنی و کنایه‌ای نسبت زنا یا لواط بدهد یا عمل حرامی غیر از زنا یا لواط را نسبت دهد ممکن است به ۹۹ ضربه شلاق محکوم شود. از این جهت بر این قول ایراد شده است (ر.ک: گلپایگانی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۲۹۹)؛ بنابراین برخی از فقهای معاصر، التزام به این قول از سوی فقها را نفی کردند (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۵۳۳) در رد این اشکال گفته شده است در قذف هشتاد ضربه قطعی است ولی در تعزیر بین یک ضربه تا ۹۹ ضربه نوسان دارد که به اختیار حاکم انتخاب می‌شود و حاکم ممکن است به ده یا بیست ضربه حکم کند؛ بنابراین حتمیت اجرای هشتاد ضربه شلاق نسبت به اختیار اجرای آن تا ۹۹ ضربه شلاق شدیدتر محسوب می‌شود و در نتیجه می‌توان گفت که تعزیر دون الحد است (ر.ک: حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۷، ص ۳۱۷). به نظر می‌رسد این جواب تام نیست چون اشکال در این است در هیچ فرضی نباید مجازات تعزیری از مجازات حدی متناسب با آن جرم شدیدتر باشد در حالی که این پاسخ می‌پذیرد ممکن است در مواردی مجازات تعزیری از مجازات حدی متناسب با آن جرم شدیدتر باشد و

لذا اشکال باقی است.

۲-۴. کمتر بودن تعزیر از حد قذف یا شرب خمر به نسبت حر و عبد

بر اساس این دیدگاه منظور از حد در قاعده، حد قذف یا شرب خمر است و دون الحد به این معنی است که مقدار تعزیر باید از ۸۰ ضربه کمتر باشد. شیخ طوسی در خلاف این نظر را پذیرفته و تعزیر را نسبت به حر تا ۷۹ ضربه و نسبت به عبد تا ۳۹ ضربه می‌داند (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۹۸ / همو، ۱۳۵۱، ج ۸، ص ۶۹ / حلی، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۴۶۶) دلیل این قول آن است «ال» در کلمه دون الحد «ال جنس» و برای استغراق است؛ بنابراین منظور از «دون الحد» کمتر از «اقل الحدود» می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۹). چون از دیدگاه این فقها کمترین حد، حد قذف و شرب خمر است که هشتاد تازیانه است پس تعزیر نسبت به انسان حر کمتر از هشتاد ضربه و نسبت به عبد کمتر از چهل ضربه خواهد بود.

۳-۴. کمتر بودن تعزیر از حد قوادی

بر اساس این دیدگاه منظور از حد در قاعده، حد قوادی است و دون الحد به این معنی است که مقدار تعزیر باید از ۷۵ ضربه کمتر باشد (ر.ک: نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴۸ / موسوی اردبیلی، ۱۴۱۳؛ ج ۱، ص ۶۹). ظاهراً تفصیل بین حر و عبد در این قول نیز جاری است (ر.ک: فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲، ص ۴۱۹-۴۲۰). دلیل این قول نیز مانند قول سابق آن است که «ال» در کلمه دون الحد «ال جنس» و برای استغراق است؛ بنابراین، منظور از جمله «دون الحد» کمتر از «اقل الحدود» می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۹)؛ ولی چون از دیدگاه این فقها کمترین حد، حد قوادی است که حد آن ۷۵ ضربه تازیانه است پس تعزیر باید برای احرار کمتر از ۷۵ ضربه باشد و همین نسبت باید در مورد بندگان نیز رعایت شود.

۴-۴. کمتر بودن تعزیر از حد به طور مطلق

بر اساس این نظر تعزیر به طور کلی چه برای حر و چه برای عبد، باید کمتر از حداقل

مقدار حدّ بردگان باشد؛ بنابراین حداکثر تعزیر ۳۹ ضربه خواهد بود (خویی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۰۸ / موسوی اردبیلی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۷۰). برخی از فقها مقتضای احتیاط را همین نظر دانسته‌اند (طباطبائی، ۱۴۰۴، ج ۱۶، ص ۶۳ / موسوی خمینی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۴۷۷ / فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲، ص ۴۲۳). دلیل این قول نیز مانند دو قول سابق آن است که «ال» در کلمه دون الحد «ال جنس» و برای استغراق است؛ بنابراین، منظور از جمله «دون الحد» کمتر از «اقل الحدود» می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۹)؛ ولی چون از دیدگاه این فقها کمترین حد، ۴۰ ضربه است، در نتیجه حداکثر تعزیر ۳۹ ضربه خواهد بود. علاوه بر این به صحیححه حمادبن عثمان نیز در این قول استدلال شده است (رحمتی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۳۶۵-۳۶۷). در صحیححه حمادبن عثمان از امام صادق علیه السلام میزان تعزیر کمتر از ۴۰ ضربه دانسته شده است (کلینی، ۱۳۴۸، ج ۷، ص ۲۴۱).

۵-۴. کمتر بودن تعزیر از حد متناسب با آن گناه

شهادت ثانی و همچنین یکی از مراجع معاصر (شهید ثانی، ۱۴۱۶، ج ۱۴، ص ۴۵۷ / گلپایگانی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۲۹۸) این نظر را پذیرفته‌اند؛ ولی اگر گناهی متناسب با هیچ‌یک از حدود نبود باید معیار کمترین حد که همان حد قوادی است رعایت شود و حداکثر تعزیر ۷۴ ضربه خواهد بود (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۹، ص ۱۸۳ / ر.ک: طباطبائی، ۱۴۰۴، ج ۱۶، ص ۶۲). به نظر برخی از فقها دلیل این قول آن است که «ال» در عبارت دون الحد برای «عهد» است و تعزیر کمتر از آن، حدّ معهود می‌باشد. اگر جرم مجرم، گفتن «یا فاسق» باشد، حدّ معهود حدّ قذف است و تعزیر چنین جرمی باید کمتر از حدّ قذف باشد، و چنانچه جرمش خلوت با اجنبیه بوده، یا آن زن و مرد را در بستر مشترک دستگیر کرده‌اند، حدّ زنا معیار قرار می‌گیرد و باید مجازات کمتر از آن باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۹-۱۱۰).

برخی از فقها معتقدند دلیل روشنی برای این قول جز استحسان عقلی وجود ندارد که آن هم معتبر نیست (محقق اردبیلی، ۱۴۱۶، ج ۱۳، ص ۱۷۷). برخی از فقها نه از راه استحسان بلکه از روایاتی که در آن برای زن یا مرد نامحرمی که در زیر یک پوشش

باشند ۹۹ ضربه شلاق معین شده استفاده کردند که تعیین این مقدار تعزیر به دلیل تناسب با حد زنا بوده است؛ بنابراین در تعیین تعزیر باید تناسب با حد رعایت شود (گلپایگانی، [بی تا]، ج ۲، ص ۲۹۸). همچنین برخی از فقها معتقدند از روایت زراره استفاده می شود در تعزیر هر عمل حرامی باید حد متناسب آن عمل در نظر گرفته شود (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲، ص ۴۲۱-۴۲۲) روایت زراره مقرر می دارد: سمعت أبا عبد الله (علیه السلام) يقول: لو أتيت برجل قذف عبداً مسلماً بالزنا لا نعلم منه إلا خيراً لضربه الحد، حد الحر إلا سوطاً امام صادق علیه السلام فرمود: اگر کسی را نزد من بیاورند که به عبد مسلمانی که جز خیر و خوبی از او چیزی نمی دانم نسبت زنا دهد او را یک ضربه کمتر از حد قذف حر حد می زنم (کلینی، ۱۳۴۸، ج ۷، ص ۲۰۸) که نشانگر تناسب تعیین تعزیر با نوع جرم حدی آن است.

۶-۴. حداقل ده ضربه و حداکثر بیست تازیانه

این حمزه در کتاب وسیله این نظر را پذیرفته است (طوسی، ۱۴۰۸، ص ۴۲۳). هر چند در کلام ایشان مستند قول ذکر نشده است ولی شاید مستند آن، روایت إسحاق بن عمّار باشد که می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم مقدار تعزیر چقدر است؟ امام علیه السلام فرمود: بضعة عشر سوطاً ما بین العشرة إلى العشرين؛ عددی است بین ده تا بیست تازیانه. (کلینی، ۱۳۴۸، ج ۷، ص ۲۴۰) در کتب لغت واژه بضع از عدد به معنای بین سه تا نه (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۱۸۶۹)؛ از سه تا پنج؛ از سه تا هفت؛ از سه تا ده و کمتر از ده آمده است (حمیری، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۵۴۷). علامه مجلسی با موثقه دانستن این روایت، آن را مغایر با سایر روایات باب تعزیر دانسته و حمل بر موارد خاص یا تأدیب می کند (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۳، ص ۳۴۷).

۷-۴. عدم محدودیت در حداکثر و تعیین آن به اختیار حاکم

در این دیدگاه سقفی برای تعیین تعزیر وجود ندارد و حاکم می تواند به هر میزان که مصلحت می داند برای یک جرم تعزیری تعیین مجازات کند. علامه مجلسی این قول را به مشهور نسبت داده است و برخی از فقهای اهل سنت نیز موافق این دیدگاه می باشند

(ر.ک: ابن قدامه، [بی تا]، ج ۱۰، ص ۳۴۷ / شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۹۷-۴۹۸). به نظر می‌رسد این دیدگاه قابل دفاع نیست چون اولاً بر خلاف ظهورات ادله است و ثانیاً منطقی نیست مثلاً مجازات زنا صد ضربه شلاق باشد ولی مجازات رابطه نامشروع در حد تقبیل ۲۰۰ ضربه شلاق یا بیشتر باشد. قابل ذکر است کلام برخی از فقها مانند محقق حلّی اجمال دارد به این بیان که معلوم نیست منظور از الحد در عبارت «مادون الحد» حد زنا است یا حد قذف یا حد قوادی (ر.ک: محقق حلّی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۱۵۵).

۵. انواع مجازات‌های حدی، تعزیری، اعدام و کاربرد قاعده در آن

۱۲۷ مجازات‌هایی که به عنوان حد در متون فقهی بیان شده‌اند عبارتند از: قتل، رجم، صلب، قطع، حبس ابد، شلاق، تبعید، تشهیر و حلق (شیخ مفید، ۱۴۱۳، صص ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۸، ۷۸۶، ۷۸۷، ۸۰۲، ۸۰۳ و ۸۰۵ / حلّی، ۱۴۱۳، ج ۵، صص ۶، ۵۳، ۶۱، ۸۹ و ۱۲۳). مجازات‌های متعددی نیز به عنوان تعزیر در متون فقهی بیان شده است. اکثر فقها معتقدند تعزیر اختصاص به تازیانه ندارد ولی در این که شامل چه مجازات‌هایی می‌شود اتفاق نظر وجود ندارد. برخی از مجازات‌های تعزیری که در متون روایی و فقهی ذکر شده عبارتند از: ۱- حبس (شیخ طوسی، ۱۳۵۱، ج ۴، ص ۲۳۲ / حلّی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۷۳ / علامه حلّی، [بی تا]، ج ۲، ص ۲۳۹ / مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۱۳۶ / تبریزی، [بی تا]، ج ۱، ص ۴۲۶ / کلینی، ۱۳۴۸، ج ۷، ص ۲۲۶ / همان، ج ۱۴، ص ۳۶۲ / شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۱). برخی از فقهای معاصر قرار دادن حبس را به عنوان تعزیر مخالف اصل و اجتهاد در مقابل نص می‌دانند (صافی گلپایگانی، ۱۴۰۴، ص ۶۵) ولی ایشان در جایی دیگر مجازات حبس را در صورتی که اشد از ضرب نباشد و مصلحت باشد به عنوان تعزیر جایز می‌داند (همان، ص ۱۴۷)؛ ۲. تشهیر (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۷۹۵ / طوسی، ۱۴۰۸، ص ۴۲۳)؛ ۳- ضرب (حلّی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۷۳ / علامه حلّی، [بی تا]، ج ۲، ص ۲۳۹ / کلینی، ۱۳۴۸، ج ۷، ص ۲۲۶)؛ ۴- توییح (حلّی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۷۳ / علامه حلّی، [بی تا]، ج ۲، ص ۲۳۹)؛ ۵- تبعید (نجفی، ۱۴۰۴،

ج ۴۲، ص ۱۷۰ / شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۲۰؛ ۶- جریمه مالی (کلینی، ۱۳۴۸، ج ۱۴، ص ۳۶۲)؛ ۷- منع از اکل و شرب (همان، ج ۱۱، ص ۶۶۷).

از طرف دیگر برخی از فقها تصریح کردند که قطع و جرح نمی‌تواند به عنوان یک مجازات تعزیری معین گردد (حلی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۷۳ / علامه حلی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۲۳۹). همچنین به نظر اکثر قریب به اتفاق فقهای معاصر، حبس ابد و اعدام نمی‌تواند به عنوان یک مجازات تعزیری محسوب گردد. به نظر می‌رسد دلیل آن این است که تعزیر باید کمتر از حد باشد و در مورد حبس ابد و اعدام کمتر از حد بودن فرض ندارد. این قاعده معیار اصلی در تعیین مجازات‌های تعزیری است و هیچ یک از مجازات‌های تعزیری نباید از نوع حدی آن فراتر رود و همیشه باید از مجازات حدی هم سبک‌تر باشد.

۶. تداخل یا عدم تداخل اسباب در تعزیرات و تأثیر آن در قاعده

در حدود در فرض ارتکاب جرایم حدی متعدد اصل بر عدم تداخل اسباب است و مرتکب به مجازات‌های متعدد محکوم می‌شود مگر آنکه جرم و مجازات آن از یک نوع باشد؛ بنابراین اگر کسی مثلاً مرتکب جرائم قذف و شرب خمر شود هم حد قذف و هم حد شرب خمر بر او جاری می‌شود؛ ولی اگر کسی چند بار مرتکب یک نوع جرم مانند شرب خمر بدون آنکه حد شرب خمر در این بین بر او جاری شده باشد برای تمامی این دفعات یک حد شرب خمر بر او جاری می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۴۶۲ / علامه حلی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۲۲۷ / شهید اول، ۱۴۱۱، ج ۹، ص ۲۰۶) و در حد زنا اگر مجازات‌ها از یک نوع باشد مانند آنکه همه مجازات‌ها صد ضربه شلاق باشد فقط یک حد جاری می‌شود ولی اگر مجازات بعضی حد شلاق و برخی دیگر حد قتل باشد هر دو کیفر بر او جاری می‌شود. (طباطبایی، ۱۴۰۴، ج ۱۰، ص ۵۴ / نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۳۳۵ / خمینی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۴۱۸)؛ ولی در تعزیرات با عنایت به اینکه تعیین تعزیر و کم و کیف آن به حاکم واگذار شده است به نظر فقهای معاصر در این خصوص نیز تعیین تعزیر به انتخاب حاکم است و حاکم می‌تواند برای تمامی جرایم تعزیری یک مجازات معین کند یا برای هر یک از جرایم

تعزیری مجازات خاصی معین کند هر چند مجموع این مجازات‌های تعزیری از مجازات حدی فراتر رود.

بر اساس مفاد ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اگر شخصی مرتکب چهار جرم تعزیری شود برای هر یک از جرائم به بیش از حداکثر تا نصف حداکثر جرم ارتكابی محکوم می‌شود و در نهایت فقط مجازات جرم اشد اجرا می‌شود حال اگر شخصی مرتکب چهار جرم در مورد جرایمی که دارای مجازات شلاق تعزیری می‌باشد، آیا می‌شود به شلاق به میزان بیشتر از شلاق حدی رأی صادر کرد یا خیر؟

نگاه اولیه این است که تعزیر شلاق موضوع ماده ۱۳۴ نباید به اندازه شلاق حدی یا بیشتر تعیین مجازات شود؛ زیرا این امر بر خلاف قاعده معروف فقهی «التعزیر دون الحد» است که مطابق نظر مشهور فقهاست بلکه بعضی از فقها بر آن ادعای اجماع نموده‌اند. این اشکال در زمان تصویب این قانون در شورای محترم نگهبان نیز مطرح شد ولی شورای محترم نگهبان این اشکال را نپذیرفت و آن را مغایر با موازین شرع ندانست به این دلیل که قاعده التعزیر بما دون الحد در مورد ارتکاب یک جرم است ولی در موضوع ماده ۱۳۴ تشدید مجازات شلاق به علت ارتکاب جرایم متعدد است و اصل این است که هر یک از این جرایم سبب مستقل برای تعیین مجازات هستند و منعی ندارد مجموع این مجازات‌ها بیش از صد ضربه شلاق باشد و می‌شود در تعدد جرم به میزان بیشتر از شلاق حدی رأی صادر کرد.

۷. سیاست تقنینی قانونگذار

در میان دیدگاه‌های مختلف فقهی قانونگذار جمهوری اسلامی ایران از چه دیدگاهی تبعیت کرده است؟

در خصوص مجازات‌های شلاق قانونگذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ کتاب تعزیرات فقط در یکی از جرایم تعزیری از دیدگاه پنجم یعنی کمتر بودن تعزیر از حد متناسب با آن گناه تبعیت کرده است و با توجه به اینکه مجازات زنا (بدون عوامل تشدید مثل احسان یا عنف) صد ضربه شلاق است برای رابطه نامشروع مادون زنا در ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (تعزیرات) تا ۹۹ ضربه شلاق معین کرده است و در بقیه موارد از دیدگاه سوم یعنی کمتر بودن تعزیر از حد قوادی، تبعیت کرده است برای

نمونه می‌توان به مواد ۵۹۲، ماده ۵۹۵، ۶۰۸ ق.م.ا. ۱۳۷۵ کتاب تعزیرات اشاره کرد. در قانون مجازات اسلامی ۹۲ نیز قانونگذار در همه موارد حتی در روابط نامشروع از دیدگاه سوم تبعیت کرده است. مثلاً در ماده ۲۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۳ برای روابط نامشروع بین دو مرد یا بین دو زن ۷۴ ضربه شلاق معین کرده است. ماده ۲۳۷ مذکور مقرر می‌دارد: «همجنس‌گرایی انسان مذکر در غیر از لواط و تفخیذ از قبیل تقبیل و ملاسمه از روی شهوت، موجب سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش است.

تبصره ۱- حکم این ماده در مورد انسان مؤنث نیز جاری است.

تبصره ۲- حکم این ماده شامل مواردی که شرعاً مستوجب حد است، نمی‌گردد. ممکن است گفته شود چرا قانونگذار در رابطه با روابط نامشروع بین دو جنس مخالف تا ۹۹ ضربه شلاق را معین کرده است؛ ولی در خصوص رابطه نامشروع بین دو همجنس تا ۷۴ ضربه شلاق را به عنوان مجازات معین کرده است؟ در حالی که به نظر می‌رسد شناخت رابطه نامشروع بین دو همجنس شدیدتر است و تناسب جرم و مجازات اقتضا می‌کرد مجازات شدیدتری معین شود. به نظر می‌رسد دلیلش آن است که سیاست قانونگذار این بوده است که دیدگاه سوم را مبنای قانونگذاری در همه موارد قرار دهد و از این جهت که مجازات آن سبک‌تر از دیدگاه پنجم است موافق با احتیاط نیز می‌باشد و از جهت کاهش شدت مجازات نیز قابل دفاع می‌باشد. در سایر جرایم نیز قانونگذار از دیدگاه سوم یعنی کمتر بودن تعزیر از حد قوادی، تبعیت کرده است، به عنوان نمونه می‌توان به مواد ۲۲۲؛* ۲۳۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲؛** ۲۴۴؛*** تبصره ۱ ماده ۲۵۱؛* ۲۵۳؛*** اشاره کرد.

* ماده ۲۲۲- جماع با میت، زنا است مگر جماع زوج با زوجه متوفای خود که زنا نیست؛ ولی موجب سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش می‌شود.

** ماده ۲۳۲- هرگاه مرد یا زنی کمتر از چهار بار اقرار به زنا نماید به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. حکم این ماده در مورد لواط، تفخیذ و مساحقه نیز جاری است.

*** ماده ۲۴۴- کسی که دو یا چند نابالغ را برای زنا یا لواط به هم برساند مستوجب حد نیست؛ ولی به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود.

* ماده ۲۵۱- قذف در صورتی موجب حد می‌شود که قذف شونده در هنگام قذف، بالغ، عاقل، مسلمان،

اما در خصوص حبس ابد و اعدام به نظر می‌رسد قانونگذار در قانون مجازات اسلامی ۹۲ این دو مجازات را از شمار مجازات تعزیر ندانست به این دلیل که در احصای مجازات‌های تعزیری و درجه‌بندی آن در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، با عنایت و توجه حبس ابد و اعدام را ذکر نکرد.

نتیجه

قانونگذار سیاست منضبطی در تعامل با قاعده التعزیر بما دون الحد ندارد. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ (کتاب تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) در خصوص مجازات تعزیری شلاق، از دیدگاه «کمتر بودن تعزیر از حد متناسب با آن گناه» و در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ از دیدگاه «کمتر بودن تعزیر از حد قوادی» تبعیت کرده است و در مجازات غیرشلاق هیچ ضابطه روشنی به چشم نمی‌خورد.

۱۴۱

معین و غیرمتظاهر به زنا یا لواط باشد.

تبصره ۱- هرگاه قذف شونده، نابالغ، مجنون، غیرمسلمان یا غیرمعین باشد قذف کننده به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می‌شود؛ ولی قذف متظاهر به زنا یا لواط، مجازات ندارد.

** ماده ۲۵۳- هرگاه کسی زنا یا لواطی که موجب حد نیست مانند زنا یا لواط در حال اکراه یا عدم بلوغ را به دیگری نسبت دهد به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می‌شود.

منابع

- * قرآن كريم.
۱. ابن اثير، مبارك بن حسن؛ النهاية في غريب الحديث؛ ج ۳، چ ۴، قم: اسماعيليان، ۱۳۶۴.
 ۲. ابن قدامه، عبد الرحمن؛ الشرح الكبير؛ ج ۱۰، بيروت: دار الكتب العربي، [بي تا].
 ۳. ابن منظور، محمد بن مكرم؛ لسان العرب؛ ج ۳ و ۴، چ ۱، بی جا: نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق.
 ۴. بيهقي، احمد بن الحسين بن علي؛ السنن الكبرى؛ ج ۸، بيروت: دارالفكر، [بي تا].
 ۵. تبريزي، ميرزا جواد؛ أسس الحدود و التعزيرات؛ ج ۱، بی جا: مطبعة مهر قم، [بي تا].
 ۶. جوهری، اسماعيل؛ صحاح اللغة؛ ج ۳، چ ۴، بيروت: دارالعلم للملايين، ۱۴۰۷ق.
 ۷. حاجي ده آبادی، احمد؛ قواعد فقه جزایی؛ چ ۱، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷.
 ۸. حسینی شیرازی، سيد محمد؛ الفقه، القواعد الفقهية؛ بی جا، بی تا.
 ۹. حلبی، ابن زهره و حمزة بن علی حسینی؛ غنية النزوع إلى علمی الأصول و الفروع؛ چ ۱، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۷ق.
 ۱۰. حلبی، ابوصلاح؛ الكافي في الفقه؛ اصفهان: مكتبة اميرالمؤمنين، ۱۴۰۳ق.
 ۱۱. حلّی (علامه)، حسن بن يوسف؛ تحرير الأحكام؛ ج ۲، بی جا: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، بی تا.
 ۱۲. حلّی، ابن ادریس؛ السرائر؛ ج ۳، چ ۲، قم: مؤسسه نشر اسلامي، ۱۴۱۱ق.

۱۳. حلی، ابن فهد؛ المهذب البارع؛ ج ۵، قم: جامعه مدرسين، ۱۴۱۳ق.
۱۴. حلی (محقق)، جعفر بن الحسن؛ المختصر النافع؛ ج ۱، چ ۶، قم: مؤسسة المطبوعات الدينية، ۱۴۱۸ ق.
۱۵. حلی (محقق)، جعفر بن الحسن؛ شرائع الاسلام؛ ج ۴، چ ۲، تهران: انتشارات استقلال، ۱۴۰۹ق.
۱۶. حمیری، نشوان بن سعید؛ شمس العلوم و دواء كلام العرب من الكلوم؛ ج ۱، چ ۱، بيروت: دار الفكر المعاصر، ۱۴۲۰ ق.
۱۷. خویی، سيد ابوالقاسم؛ مبانی تکملة المنهاج؛ ج ۴۱، قم: دارالهادی، ۱۴۰۷ق.
۱۸. خویی، _____؛ تکملة المنهاج؛ ج ۴۱، قم: مدينة العلم، ۱۴۱۰ق.
۱۹. دیلمی، سلار بن عبد العزیز؛ المراسم العلویة و الأحكام النبویة؛ ج ۱، قم: منشورات الحرمین، ۱۴۰۴ق.
۲۰. رحمتی، محمد؛ کتاب الحدود و التعزیرات؛ ج ۲، قم: مؤلف، ۱۴۱۶ق.
۲۱. سیوری، فاضل مقداد بن عبدالله؛ التنقیح الرائع؛ ج ۴، قم: دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۴ ق.
۲۲. شرتوتی، سعید خوری؛ أقرب الموارد؛ ج ۱، قم: دار الاسوة، ۱۴۱۶ق.
۲۳. شیخ طوسی، محمد بن حسن؛ المبسوط؛ ج ۴ و ۸، بی جا: المكتبة المرتضوية، ۱۳۵۱.
۲۴. _____؛ الاستبصار؛ ج ۴، چ ۴، قم: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۳.
۲۵. _____؛ الخلاف؛ ج ۵، چ ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
۲۶. _____؛ تهذیب الأحكام؛ ج ۴، قم: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۵.
۲۷. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری؛ المقنعة؛ ج ۱، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۲۸. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد؛ المحيط فی اللغة؛ ج ۱، بيروت: عالم الكتاب،

- ۱۴۱۴ ق.
۲۹. صافی گلپایگانی، لطف الله؛ التعزیر، انواعه و ملحقاته؛ قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۳۰. صدر، سید محمد؛ ماوراء الفقه؛ ج ۹، چ ۱، بیروت: دارالأضواء للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۲۰ ق.
۳۱. صدوق، محمد بن علی؛ من لایحضره الفقیه؛ ج ۳ و ۴، چ ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۳۲. _____؛ علل الشرائع؛ ج ۲، قم: کتابفروشی داوری، بی تا.
۳۳. طباطبائی، سید علی؛ ریاض المسائل؛ ج ۱۰ و ۱۶، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۴ ق.
۳۴. طبرسی، فضل بن حسن؛ المؤتلف من المختلف بین أئمة السلف؛ ج ۲، چ ۱، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، ۱۴۱۰ ق.
۳۵. طریحی، فخرالدین؛ مجمع البحرین؛ ج ۱، چ ۳، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۴۱۶ ق.
۳۶. طوسی، محمد بن علی بن حمزه؛ الوسيلة إلى نیل الفضيلة؛ ج ۱، قم: کتابخانه آية الله مرعشی نجفی (ره)، ۱۴۰۸ ق.
۳۷. عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی؛ اللعة الدمشقية؛ ج ۹، چ ۱، بی جا: دارالفکر، ۱۴۱۱ ق.
۳۸. _____؛ القواعد و الفرائد؛ قم: مکتبه المفید، بی تا.
۳۹. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی؛ مسالک الأفهام؛ ج ۱۴، چ ۱، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۶ ق.
۴۰. _____؛ الروضة البهیة؛ ج ۹، چ ۱، قم: انتشارات داوری، ۱۴۱۰ ق.
۴۱. فاضل لنکرانی، محمد؛ تفصیل الشریعة (کتاب الحدود)؛ قم: مرکز فقه ائمه

- اطهار، ۱۴۲۲ق.
۴۲. فراهیدی، احمد؛ کتاب العین؛ ج ۱، ۳ و ۴، چ ۲، بی جا: مؤسسه دارالهجره، ۱۴۰۹ق.
۴۳. کاشانی، ابوبکر؛ بدائع الصنائع؛ ج ۷، چ ۱، پاکستان: المكتبة الحبيبية، ۱۴۰۹ق.
۴۴. کریمی جهرمی، علی؛ الدر المنضود فی احکام الحدود (تقریرات أبحاث آیه الله گلپایگانی)؛ ج ۱، قم: دارالقرآن کریم، ۱۴۱۷ق.
۴۵. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ ج ۷، ۱۱ و ۱۴، چ ۲، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۴۸.
۴۶. گلپایگانی، سید محمد رضا؛ الدار المنضود؛ ج ۲، چ ۱، قم: دارالقرآن الکریم، بی تا.
۴۷. مجلسی، محمد باقر؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول؛ ج ۲۳، چ ۲، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۴ق.
۴۸. مجلسی، محمد تقی؛ روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه؛ ج ۶ و ۱۰، قم: بنیاد فرهنگ اسلامی، ۱۴۱۰.
۴۹. محقق اردبیلی، احمد؛ مجمع الفائدة و البرهان؛ ج ۱۳، چ ۱، بی جا: جامعه مدرسین، ۱۴۱۶ق.
۵۰. محقق داماد، مصطفی؛ قواعد فقه؛ ج ۴، چ ۱۲، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۴۰۶ق.
۵۱. مصری، ابن نجیم؛ البحر الرائق؛ ج ۵، چ ۱، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۸ق.
۵۲. مکارم شیرازی، ناصر؛ تعزیر و گستره آن؛ چ ۱، قم: مدرسه علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۳.
۵۳. منتظری، حسینعلی؛ مبانی فقهی حکومت اسلامی؛ ج ۲ و ۳، چ ۱، قم: مؤسسه کیهان، ۱۴۰۹ق.

٥٤. موسى اردبيلي، عبد الكريم؛ فقه الحدود و التعزيرات؛ ج ١ و ٢، قم: دارالمفيد، ١٤١٣ق.
٥٥. موسى، علي (سيد مرتضى)؛ الانتصار؛ دفتر انتشارات اسلامي، ١٤١٥ ق.
٥٦. موسى خميني، روح الله؛ تحرير الوسيله؛ ج ٢، قم: دارالكتب الاسلاميه، اسماعيليان، ، بي تا.
٥٧. مؤمن محمد؛ الولاية الإلهية الإسلامية أو الحكومة الإسلامية؛ ج ١، ج ١، قم: دفتر انتشارات اسلامي، ١٤٢٥ق.
٥٨. نجفي، محمدحسن؛ جواهر الكلام؛ ج ٤١ و ٤٢، ج ٦، قم: المكتبة الاسلامية، ١٤٠٤ق.
٥٩. نووي، محيي الدين؛ المجموع؛ ج ٢٠، بي جا: دارالفكر، بي تا.
٦٠. نيشابوري، مسلم؛ صحيح مسلم؛ ج ٥، بيروت: دارالفكر، بي تا.
٦١. واسطي زبيدي؛ تاج العروس من جواهر القاموس؛ ج ٧، ج ١، بيروت: دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع، ١٤١٤ق.
٦٢. هاشمي، سيد محمد امين؛ «قاعده « التعزير دون الحد »»؛ مجله فقه اهل بيت، ش ٥٧، بهار ١٣٨٨، ص ١٧٨-٢٢٢